

نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه بین تعارض کار-خانواده و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی در زنان شاغل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۱۸

طناز فرخ زاد^۱، فریده دوکانه‌ای فرد^{۲*}، جواد خلعتبری^۳

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه: تغییر و تحولات جامعه فعلی منجر به افزایش مشارکت زنان در کنار مردان در بازار کار شده است و روند رو به رشد زنان شاغل در خارج از منزل باعث بروز نوع جدیدی از بافت خانوادگی گردیده است. در چنین حالتی، زنان در عین اینکه می‌خواهند در تامین معاش با مردان رقابت کنند، از تشکیل خانواده نیز نمی‌توانند غفلت کنند. به عبارتی دیگر، زنان شاغل تأثیر قابل توجهی در رشد جهانی کشورها دارند و باید شغل خود را مدیریت کنند و در عین حال به انجام وظایف متعارف خود به عنوان همسر، مادر و کسب درآمد ادامه دهند. تعارض کار-خانواده در کنار تجارب دلبستگی زنان شاغل با پیامدهای متعددی همراه است که می‌تواند زندگی شغلی و کیفیت روابط زناشویی این زنان را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، نحوه تأثیر این متغیرها بر ابعاد مختلف زندگی زنان شاغل به صورت جامع و در قالب مدل ساختاری بررسی نشده است. لذا، هدف از این پژوهش بررسی نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه بین تعارض کار-خانواده و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی در زنان شاغل مراجعه کننده به مراکز مشاوره بود.

روش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان شاغل متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که از بین آنها ۲۵۰ نفر با استفاده روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه تعارض کار-خانواده لذت میرز و همکاران (۱۹۹۶)، مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۶)، مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) و مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان نلسون و کارول (۲۰۰۶) استفاده شد. جهت رعایت اصول اخلاقی پژوهش، بعد از تشریح کامل هدف پژوهش و اطمینان‌دهی در مورد محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان، رضایت کتبی و آگاهانه‌ی افراد مورد نظر برای شرکت در پژوهش اخذ گردید. به‌منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی همچون؛ میانگین و انحراف معیار، در قسمت آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و همچنین رگرسیون چندمتغیری، تحلیل مسیر استفاده شد. به‌این‌ترتیب نرم‌افزار SPSS22 و Amos23 به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت.

۱ دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن. رودهن. ایران

۲ دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن. رودهن. ایران

* نویسنده مسئول: Farideh.Dokaneifard@iau.ac.ir

۳ دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن. تنکابن. ایران



یافته‌ها: نتایج آزمون توصیفی نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد سبک دلبستگی ایمن $2/71 \pm 11/56$ ، سبک دلبستگی ناایمن $5/31 \pm 30/70$ ، تعارض کار-خانواده $7/20 \pm 20/68$ ، پرخاشگری پنهان $8/35 \pm 60/54$ ، و دزدگی زناشویی $8/54 \pm 68/29$ بود. همچنین، نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن دارای اثر منفی و مستقیم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان ($\beta = -0/119$ و $P < 0/05$) و دزدگی زناشویی بود ($\beta = -0/152$ و $P < 0/05$). همچنین، سبک دلبستگی ناایمن دارای اثر مثبت و مستقیم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان ($\beta = 0/122$ و $P < 0/05$) و دزدگی زناشویی بود ($\beta = 0/191$ و $P < 0/01$). علاوه بر این، تعارض کار-خانواده دارای اثر مثبت و مستقیم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان ($\beta = 0/186$ و $P < 0/01$) و دزدگی زناشویی بود ($\beta = 0/174$ و $P < 0/01$). همچنین، متغیر پرخاشگری ارتباطی پنهان دارای اثر مثبت و مستقیم بر دزدگی زناشویی بود ($\beta = 0/173$ و $P < 0/01$). نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن و ناایمن و تعارض کار-خانواده از طریق پرخاشگری ارتباطی پنهان بر دزدگی زناشویی معنادار بود ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان قادر به ایفای نقش میانجی در رابطه بین مولفه‌های دلبستگی و تعارض کار-خانواده با دزدگی زناشویی در زنان شاغل هستند. به عبارتی دیگر، یافته نشان داد که زنان شاغل در صورت تجربه تعارض در زندگی شغلی و خانوادگی در صورتی که از راهبردهای غیرمواجهه‌ای یا غیرمستقیم همچون پرخاشگری ارتباطی پنهان استفاده کنند با استیصال و درماندگی در زندگی زناشویی مواجه خواهند شد که می‌تواند به صورت دزدگی زناشویی تجربه شود. از طرفی، وجود برخی از ویژگی‌های شخصیتی همچون سبک دلبستگی ایمن با کاهش استرس ادراک شده در زنان شاغل مانع از گرایش آنها به استفاده از راهبردهای اجتنابی در مواجهه با چالش‌های زندگی می‌شود و باعث می‌شود زوجین با حمایت از یکدیگر و اتخاذ راهبرد مقابله‌ای مطلوب ضمن کمک به حفظ ثبات زندگی زناشویی احساسات منفی کمتری نسبت به رابطه زناشویی و همسر خود تجربه کنند.

چکیده

مقدمه: با افزایش حضور زنان در بازار کار، همزمانی ایفای نقش‌های شغلی و خانوادگی می‌تواند زمینه‌ساز بروز تعارضات بین‌فردی و مشکلات زناشویی شود. در این میان، دزدگی زناشویی به‌عنوان یکی از پیامدهای مهم تعارض کار-خانواده و سبک‌های دلبستگی ناایمن، می‌تواند کیفیت زندگی زنان شاغل را تحت تأثیر قرار دهد. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده درباره روابط دوتایی این متغیرها، نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان در تبیین این روابط کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه بین تعارض کار-خانواده و سبک‌های دلبستگی با دزدگی زناشویی در زنان شاغل انجام شد.

روش: پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل زنان شاغل متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود که از میان آنان ۲۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در نهایت داده‌های ۲۲۵ نفر تحلیل شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه تعارض کار-خانواده نت‌مایر و همکاران (۱۹۹۶)، مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰)، مقیاس دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) و مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان نلسون و کارول (۲۰۰۶) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر در نرم‌افزارهای SPSS26 و Amos23 تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن دارای اثر منفی و مستقیم بر دزدگی زناشویی بود ($\beta = -0.152$ ، $p < 0.05$). همچنین، سبک دلبستگی ناایمن دارای اثر مثبت و مستقیم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان ($\beta = -0.128$ ، $p < 0.05$) و دزدگی

زناشویی ($\beta = -0.189$, $p < 0.01$) بود. علاوه بر این، تعارض کار-خانواده دارای اثر مثبت و مستقیم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان ($\beta = -0.184$, $p < 0.01$) و دلزدگی زناشویی ($\beta = -0.173$, $p < 0.01$) بود. همچنین، پرخاشگری ارتباطی پنهان دارای اثر مثبت و مستقیم بر دلزدگی زناشویی بود ($\beta = -0.173$, $p < 0.01$). نتایج بوت‌استرپ نیز نشان داد اثرات غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی و تعارض کار-خانواده از طریق پرخاشگری ارتباطی پنهان بر دلزدگی زناشویی معنادار است ($p < 0.05$).
نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشان داد که زنان شاغل در مواجهه با تعارض میان نقش‌های شغلی و خانوادگی، در صورت برخورداری از سبک‌های دلبستگی ناایمن و استفاده از الگوهای ارتباطی پرخاشگرانه و غیرمستقیم، بیشتر در معرض فرسودگی هیجانی و دلزدگی در روابط زناشویی قرار می‌گیرند. بنابراین، آموزش مهارت‌های ارتباطی، تنظیم هیجان و مدیریت تعارض می‌تواند در کاهش دلزدگی زناشویی زنان شاغل و بهبود کیفیت روابط زوجی مؤثر باشد.

کلمات کلیدی: سبک دلبستگی، دلزدگی زناشویی، پرخاشگری ارتباطی پنهان، تعارض کار-خانواده، زنان شاغل.



The Mediating Role of Covert Relational Aggression in the Relationship Between Work–Family Conflict and Attachment Styles with Marital Burnout Among Employed Women

Received: 2025/12/26 Accepted: 2026/4/7

Tannaz Farokhzad¹, farideh dokanei far^{2*}, javad khalatbari³

Original Article

Abstract

Introduction: With the increasing participation of women in the labor market, the simultaneous fulfillment of occupational and family roles can create interpersonal conflicts and marital problems. In this context, marital burnout, as a significant consequence of work–family conflict and insecure attachment styles, can affect the quality of life of employed women. Despite previous studies examining bivariate relationships among these variables, the mediating role of covert relational aggression has received less attention. Therefore, the present study aimed to investigate the mediating role of covert relational aggression in the relationship between work–family conflict and attachment styles with marital burnout among employed women

Methods: This study employed a descriptive-correlational design using path analysis. The statistical population included married employed women attending counseling centers in District 5 of Tehran during 2021–2022. A total of 250 participants were selected through purposive sampling, and data from 225 participants were ultimately analyzed. Research instruments included the Work–Family Conflict Questionnaire (Netemeyer et al., 1996), the Adult Attachment Scale (Collins & Read, 1990), the Marital Burnout Scale (Pines, 1996), and the Covert Relational Aggression Scale (Nelson & Carroll, 2006). Data were analyzed using Pearson correlation and path analysis in SPSS 26 and AMOS 23.

Results: The results showed that secure attachment style had a negative but non-significant direct effect on marital burnout ($\beta = -0.152$, $p > 0.05$). Insecure attachment style had a significant positive direct effect on covert relational aggression ($\beta = 0.128$, $p < 0.05$) and on marital burnout ($\beta = 0.189$, $p < 0.01$). Work–family conflict had a significant positive direct effect on covert relational aggression ($\beta = 0.184$, $p < 0.01$) and on marital burnout ($\beta = 0.173$, $p < 0.01$). Covert relational aggression had a significant positive direct effect on marital burnout ($\beta = 0.173$, $p < 0.01$). Bootstrap results further indicated that the indirect effects of attachment styles and work–family conflict on marital burnout through covert relational aggression were significant ($p < 0.05$).

Conclusion: The findings indicate that employed women who experience conflict between occupational and family roles are more likely to experience emotional exhaustion and marital burnout if they possess insecure attachment styles and engage in aggressive and indirect relational patterns. Therefore, training in communication skills, emotion regulation, and conflict management may be effective in reducing marital burnout among employed women and improving the quality of couple relationships.

Keywords: Attachment Style, Marital Burnout, Covert Relational Aggression, Work–Family Conflict, Employed Women.

1 Ph.D student of counseling, Department of counselling, Ro.C., Islamic Azad university, Roudehen, Iran

2 *Associate professor, department of counselling, Ro.C., Islamic azad university, roudehen, Iran.
Farideh.Dokaneifard@iau.ac.ir

3 Associate professor, department of psychology, To.C., Islamic azad university, tonkabon, Iran

مقدمه

تغییر و تحولات ایجاد شده در جوامع کنونی باعث شده است تا زنان همچون مردان وارد بازار کار شوند که این امر موجب شکل‌گیری بافت خانوادگی متفاوت و جدیدی نسبت به ساختار خانواده‌های سنتی شده است. در واقع، ورود زنان همچون مردان به بازار کار باعث شکل‌گیری بافت خانوادگی متفاوت و جدید در مقایسه با ساختار خانواده‌های سنتی شده است (سونگ، لی و کیم^۱، ۲۰۲۴). در چنین حالتی، زنان شاغل علی‌رغم این‌که در کارهای خارج از محیط خانه همچون مردان فعال هستند، باید از تشکیل خانواده نیز غافل نشوند. به عبارتی دیگر، زنان شاغل تأثیر قابل توجهی در رشد جهانی کشورها دارند و باید شغل خود را مدیریت کنند و در عین حال به انجام وظایف متعارف خود به عنوان همسر، مادر و کسب درآمد ادامه دهند (امین^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). نتیجه مطالعات موجود نشان می‌دهد که تعدد نقش‌ها به ویژه تضاد بین نقش شغلی-همسری باعث بروز مشکلاتی همچون دلزدگی و تعارض خانوادگی می‌شود (ژانگ^۳، ۲۰۲۵). دلزدگی زناشویی^۴ به عنوان کم‌رنگ شدن عشق در ازدواج عبارت است از وضعیتی که زوجین به دنبال توقعات زیادشان از زندگی زناشویی آن را تجربه می‌کنند؛ زیرا در چنین حالتی آنها احساس می‌کنند که بین آنچه که از ازدواج‌شان کسب کرده‌اند، با آنچه که برای ازدواج سرمایه‌گذاری کرده‌اند تناسب وجود ندارد که این امر باعث می‌شود از نظر جسمانی، عاطفی و روان‌شناختی حالتی از تحلیل رفتن انرژی و بی‌رمقی را تجربه کنند (منتش و یلدریم^۵، ۲۰۲۴). دلزدگی زناشویی نه تنها خود زوجین بلکه خانواده و روابط اجتماعی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (کوچیگیت و اوزون^۶، ۲۰۲۴). یکی از عواملی که می‌تواند با دلزدگی زناشویی زنان شاغل مرتبط باشد، سبک دلبستگی^۷ و مؤلفه‌های آن است (فرخ‌زاد، دوکانه‌ای فرد و خلعتبری، ۲۰۲۴).

بر اساس نظریه دلبستگی جان بالبی^۸ (۱۹۶۹)، سیستم دلبستگی یک سیستم ژنتیکی برنامه‌ریزی شده، با پایه بیولوژیکی است که برای محافظت از کودک به دلیل استقلال ناکافی او برای اطمینان از نیازهای ضروری بقای او تعیین شده است. مفهوم هسته‌ای ایمنی (پاسخ به تهدید و استرس) در مرکز نظریه دلبستگی قرار داشت (مالوف^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیقات مختلفی نشان داده‌اند که سبک دلبستگی ایمن تأثیر منفی و سبک دلبستگی ناایمن تأثیر مثبت بر دلزدگی زناشویی دارد (فرخ‌زاد و همکاران، ۲۰۲۴). محققان در پژوهش دیگری نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن دارای رابطه مثبت و معناداری با کاهش تعارضات زناشویی است (امانی و همکاران، ۲۰۲۴). به‌طور کلی، دلبستگی ایمن با رضایتمندی زناشویی بیشتر و دلبستگی غیرایمن با رضایتمندی زناشویی کمتر رابطه دارد (شینده، سنگوی و هندوجا^{۱۰}، ۲۰۲۳). برخی دیگر از پژوهش‌ها هم رابطه هر دو متغیر تعارض کار-خانواده و سبک‌های دلبستگی را با دلزدگی زناشویی زنان شاغل بررسی کرده‌اند که از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعه حائری‌نژاد و صفاری‌نیا (۱۴۰۲) اشاره کرد که در پژوهشی نشان دادند همبستگی معناداری بین متغیرهای دلزدگی زناشویی با تعارض کار-خانواده و سبک دلبستگی وجود دارد.

آنچه در ارتباط با اشتغال زنان روشن است این است که علی‌رغم اینکه افزایش سطح تحصیلات زنان و ورود آنها به بازار کار باعث کسب استقلال اقتصادی و ارتقای عزت‌نفس آنها شده، با این حال، آنها را با چالش جدیدی به نام تعارض کار - خانواده

1. Song, Lee & Kim
2. Amin Bhat, Rasool & Maqbool
3. Zhang
4. Marital Burnout
5. Menteş & Yıldırım
6. Koçyiğit & Uzun
7. Attachment Style
8. John Bowlby
9. Maalouf
10. Shinde, Sanghvi & Hinduja

و تعارض زناشویی مواجه ساخته است (آبرنووچ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). تعارض کار - خانواده^۲ نوعی اصطکاک نقش‌هاست که در آن فشارهای ناشی از حیطة کار و خانواده از برخی جهات متقابل و ناسازگار است (وانگ^۳، ۲۰۲۴). تعارض کار - خانواده عامل استرس‌زایی است که قرار گرفتن در معرض آن ممکن است منجر به ناراحتی روانی شود (سندی، مولوتسی و ریوگا^۴، ۲۰۲۲). تعارض کار - خانواده با پیامدهای منفی فردی همراه است که می‌تواند زندگی شغلی افراد را نیز به‌صورت منفی تحت‌تأثیر قرار دهد، به‌طوری‌که تحقیقات نشان می‌دهد که تعارض کار - خانواده در بین ده عامل استرس‌زا قرار دارد که منجر به کاهش چشمگیر عملکرد فردی و سازمانی می‌شود (چویی^۵، ۲۰۲۴). یکی از حوزه‌هایی که تحت تأثیر تعارض کار-خانواده قرار می‌گیرد، حوزه روابط زناشویی به ویژه رضایت زناشویی بین زوجین است (وان^۶ و همکاران، ۲۰۲۴). نتایج برخی از پژوهش‌ها در این خصوص مبین این امر است که تعارض کار - خانواده پیامدهای منفی متعددی همچون تعدیل سطوح سلامت را به همراه دارد (چانگ، چیانگ و لین^۷، ۲۰۲۴). سیمانجونتاک، یولیاتی و کومالاساری^۸ (۲۰۲۴) در پژوهشی نشان دادند که تعارض کار-خانواده می‌تواند تأثیر منفی بر کیفیت زندگی زنان شاغل بگذارد. بنابراین، زنان شاغل باید استراتژی‌های متعادل‌کننده‌ای را برای کاهش تعارضات خانواده-کار، مانند اجتناب از آوردن کار به خانه، اجرا کنند. عملکردهای خانواده را می‌توان با تقسیم انعطاف‌پذیر نقش‌ها و وظایف بهینه کرد و برای رضایت زناشویی مناسب، زوجین باید ارتباط خوب و درک متقابل را حفظ کنند.

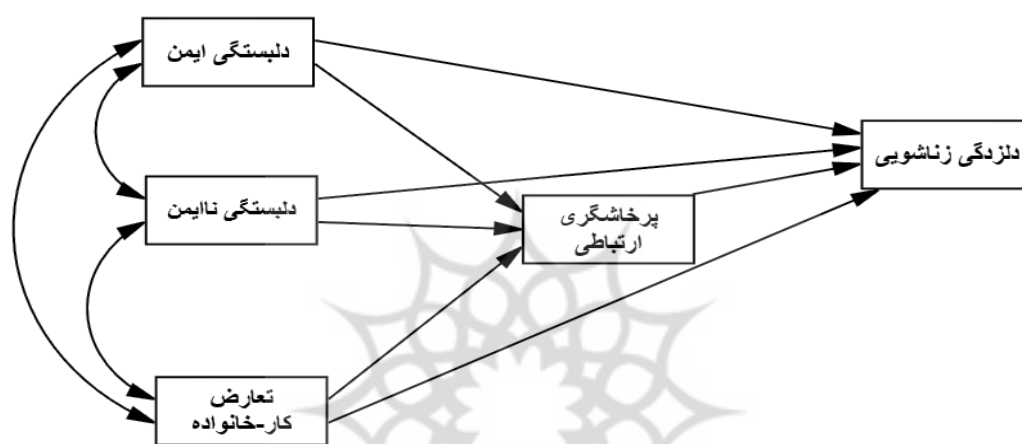
بنابراین، یکی از عواملی که در رابطه بین تعارض کار-خانواده و مشکلات زناشویی زنان شاغل نیازمند بررسی می‌باشد، پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین^۹ است. پرخاشگری ارتباطی پنهان، به آسیب رساندن به همسر از طریق دستکاری روابط اجتماعی آنها به‌وسیله شایعه پراکنی، کناره‌گیری از عشق و محبت و تحریک حسادت اشاره دارد (مورون و ماندال^{۱۰}، ۲۰۲۱). این نوع از پرخاشگری شامل دو مولفه کناره‌گیری عاطفی و تخریب وجهه اجتماعی است و بدین شکل است که فرد، از ابراز محبت یا صمیمیت جنسی خودداری و به خراب کردن وجه اجتماعی همسر از طریق بدگویی، شایعه‌پراکنی، درمیان گذاشتن اطلاعات خصوصی وی با دیگران یا فراهم کردن امکان دخالت دیگران در جریان بحث‌ها و مشاجرات اقدام می‌کند (کیلفورد^{۱۱}، ۲۰۱۳). محققان نشان داده‌اند که خشونت و پرخاشگری در زندگی زناشویی یکی از عوامل بسیار مهم در دلزدگی زناشویی و سوق دادن زوجین به سمت طلاق است که با انباشته کردن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره، سبب فرسایش می‌شود و بر کیفیت زندگی تأثیر معکوس و معناداری بر جای می‌گذارد (درگاهی، اعیادی و خبازی، ۱۴۰۳). به طوری که، افشانی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای گزارش کردند که خشونت و پرخاشگری در زندگی زناشویی با انباشته کردن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره، سبب فرسایش می‌شود و بر کیفیت زندگی تأثیر معکوس و معناداری بر جای می‌گذارد.

پرخاشگری ارتباطی پنهان از جمله متغیرهایی است که نه تنها تحت تأثیر متغیرهای بافتی همچون تنش‌های خانوادگی یا شغلی قرار می‌گیرد (یو و تِلن^{۱۲}، ۲۰۲۳)، خود نیز می‌تواند بر شدت و ضعف بروز این تنش‌ها اثرگذار باشد (مورون و ماندال^{۱۳}، ۲۰۲۱). به طوری که، وانگ^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۴) در بررسی تأثیر تعارض کار-خانواده بر بروز پرخاشگری در روابط اعضای

1. Obrenovic
2. work-family conflict
3. Wang
4. Sandy, Molotsi & Rioga
5. Choi
6. Wan
7. Chuang, Chiang & Lin
8. Simanjuntak, Yuliati & Kumalasari
9. Covert relational aggression
10. Morón & Mandal
11. Clifford
12. Yue & Thelen
13. Morón & Mandal
14. Wang

خانواده به این نتیجه رسیدند که تعارض کار-خانواده مادر با اتخاذ سبک فرزندپروری سختگیرانه از سوی والدین رابطه دارد که این عامل به نوبه خود باعث شیوع پرخاشگری سایبری در نوجوانان می‌شود. در پژوهش دیگری در این زمینه علی، غرایبه و عویس^۱ (۲۰۲۵) نشان دادند که تعارض کار-خانواده و مکانیسم‌های آشفتگی رابطه‌ای با نارضایتی زناشویی ارتباط منفی دارند. همچنین، تعارض کار-خانواده با تاکتیک‌های تعارض منفی (توزیعی، اجتنابی، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی) ارتباط مثبت داشت. با این حال، تاکنون در ایران پژوهشی که به صورت جامع به بررسی روابط چندگانه این متغیرها در قالب مدل کلی بپردازد، انجام نشده است.

بنابراین، هدف از این پژوهش بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلبستگی و تعارض کار-خانواده با دلزدگی زناشویی زنان شاغل با نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان در قالب تحلیل مسیر بود که مدل مفهومی مربوط به آن در شکل (۱) ارائه شده است:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی پژوهش

فرانکل^۲ معتقد بود که تلاش برای یافتن معنا در زندگی، نیروی انگیزشی اصلی در انسان است (پاینز و نانس^۳، ۲۰۰۳). نیاز مردم به این باور که آنچه انجام می‌دهند، معنادار است، به این دلیل است که آن‌ها می‌خواهند از این طریق به‌نوعی با وحشت و نگرانی خود از مواجهه با فناپذیری مقابله کنند. به‌منظور اینکه افراد بتوانند توانایی انکار مرگ را داشته باشند، افراد نیاز دارند که احساس قهرمانانه داشته باشند و زندگی خود را معنادار، مفید و مهم فرض کنند. مردم انتخاب می‌کنند که با توجه به فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، تبدیل به قهرمان شوند. یکی از پاسخ‌های وجودی به این نیاز، کار است. همچنین پاسخ دیگر می‌تواند عشق باشد. افراد با این انتظار که بتوانند از کار و یا عشق حس اهمیت وجودی رو دریافت کنند، کار یا عشق را با امید، آرمان‌گرایی و انگیزه شروع می‌کنند (پاینز و نانس، ۲۰۰۳). هنگامی که آن‌ها احساس کنند که شکست خورده‌اند و آن چیزی را که انتظار داشتند از شغل و از ازدواج، کسب نمی‌کنند، در نتیجه شروع به درماندگی و ناامیدی می‌کنند و دلزده می‌شوند. درواقع آن‌ها درمی‌یابند که آن‌ها کار بااهمیتی انجام نمی‌دهند و هیچ تأثیر خاصی بر زندگی شخصی و زناشویی‌شان ندارند و حضور یا عدم حضور آن‌ها در زندگی تفاوت خاصی وجود ندارد (پاینز و نانس، ۲۰۰۳؛ پاینز و همکاران، ۲۰۱۱).

1. Ali, Gharaibeh & Awais
2. Frankel
3. Pines and Nance

زمانی که مردم احساس کنند که آنچه انجام می‌دهند مهم است و خودشان نیز افرادی مهمی هستند و اعمال و رفتارشان تأثیرگذار است، حتی در شرایط سخت و دشوار نیز دچار دلزدگی نمی‌شوند. از دست دادن این حس که آن‌ها و اعمال و رفتارشان اهمیتی ندارد، می‌تواند منجر به دلزدگی شود (پاینز و همکاران، ۲۰۱۱). در واقع، آنچه از مبانی نظری فوق قابل استناد است این است که زنان شاغل، کار را به عنوانی وسیله‌ای برای معنایابی در زندگی در نظر می‌گیرند و چنانچه بین اهداف و دستاوردهای محیط شغلی و خانوادگی همخوانی وجود نداشته باشد، معنا می‌تواند جای خود را به ناامیدی و دلزدگی در هر دو بعد شغلی و زناشویی بدهد. این در حالی است که بنا بر مبانی روانشناسی ناکامی در رسیدن به اهداف می‌تواند به صورت احساس خشم بروز پیدا کند که نمود بیرونی آن تجربه پرخاشگری در روابط با اطرافیان است. لذا، با در نظر گرفتن مبانی نظری فوق، انجام پژوهشی جامع که تمامی این متغیرها را در قالب مدل ساختاری و به صورت یکجا مورد بررسی قرار دهد، ضروری به نظر می‌رسد. با این حال، مروری بر مبانی تجربی داخلی و خارجی نشان داد که علی‌رغم بررسی روابط ساده و تک به تک متغیرهایی همچون کیفیت زندگی شغلی و زناشویی و نقش آنها در بروز پرخاشگری (خزاعی و همکاران، ۱۴۰۰) و دلزدگی زناشویی (وان و همکاران، ۲۰۲؛ شینده و همکاران، ۲۰۲۳) تاکنون پژوهشی که این متغیرها را به صورت جامع و در قالب مدل ساختاری بررسی کرده باشد، انجام نشده است. لذا، پژوهش حاضر به منظور پاسخ به این سوال انجام شد که آیا تعارض کار- خانواده و سبک‌های دلبستگی مستقیماً با دلزدگی زناشویی رابطه دارند یا از طریق اثرگذاری بر پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین چنین رابطه‌ای شکل می‌گیرد و اینکه چگونه پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین رابطه تعارض کار- خانواده و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی را میانجی‌گری خواهد کرد؟

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود که با استفاده از روش تحلیل مسیر^۱ انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان شاغل متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند. به منظور تعیین حجم نمونه، از آنجا که حداقل حجم نمونه در تحلیل مسیر معمولاً بر اساس تعداد پارامترهای موجود در مدل تعیین می‌شود. به طور کلی، توصیه می‌شود که به ازای هر پارامتر در مدل، حداقل ۱۰ تا ۲۰ نمونه وجود داشته باشد (کلاین و سنتور^۲، ۱۹۹۹). لذا، با توجه به اینکه پارامترهای موجود در این پژوهش ۱۰ تا است، با در نظر گرفتن ۲۰ نمونه به ازای هر پارامتر، حجم نمونه مورد نیاز برای این پژوهش ۲۰۰ نفر برآورد شد که با در نظر گرفتن احتمال ۲۵٪ وجود پرسش‌نامه‌های مخدوش و ناقص پر شده، ۲۵۰ زن شاغل متأهل با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه تحقیق حاضر انتخاب شدند. نمونه‌گیری هدفمند معمولاً زمانی استفاده می‌شود که محقق با توجه به اهداف و معیارهای خاص خود، نمونه‌ها را انتخاب می‌کند و محقق به دنبال مطالعه یک گروه خاص با ویژگی‌های منحصر به فرد است (استارتون^۳، ۲۰۲۴).

ملاک‌های ورود به این پژوهش عبارت بودند از: داشتن جنسیت زن، شاغل بودن، متأهل بودن، سپری شدن حداقل ۲ سال از زمان ازدواج، نداشتن سابقه متارکه و طلاق و عدم اخراج یا مرخصی بلندمدت در هنگام انجام پژوهش. همچنین، به تبع این ملاک‌ها، ملاک‌های خروج از پژوهش هم عبارت بودند از: از دست دادن شغل در طول انجام پژوهش، جدایی یا طلاق در فرآیند انجام پژوهش، نارضایتی برای ادامه شرکت در پژوهش. برای جلب رضایت مراجعان برای شرکت در پژوهش در ابتدا هدف از انجام پژوهش به آنها توضیح داده شد و بعد از بیان مسائل اخلاقی در پژوهش همچون محرمانه ماندن مشخصات شرکت‌کنندگان و رضایت آگاهانه آنها برای شرکت در پژوهش، رضایت کتبی‌شان برای مشارکت در این مطالعه جلب شد. در نهایت پس از

1. Path analysis
2. Kline & Santor
3. Stratton

جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های تکمیل شده ۲۵ مورد از این پرسش‌نامه‌ها به دلیل ناقص پر شدن کنار گذاشته شدند و مجموعاً ۲۲۵ پرسش‌نامه وارد تحلیل شدند. برای تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر در نرم‌افزار SPSS26 و Amos23 استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه تعارض کار - خانواده (WFCS):^۱ این پرسش‌نامه توسط نت مایر^۲ و همکاران در سال ۱۹۹۶ ساخته شد و دارای ۱۰ گویه و ۲ خرده مقیاس است که پنج گویه اول آن تعارض کار-خانواده و پنج گویه دوم تعارض خانواده - کار را بررسی می‌کند. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس توسط طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است که نمره بالاتر نشانگر تعارض کار-خانواده بیشتر است. پایایی نسخه اصلی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای قسمت اول ۰/۹۱ و برای قسمت دوم ۰/۸۸ به دست آمده است. روایی پرسش‌نامه نیز توسط نت مایر و همکاران (۱۹۹۶) به روش همبستگی هر دو قسمت آن با ۱۶ سازه روان‌شناختی مثل رضایت از زندگی، رضایت شغلی، تعارض نقش و ابهام نقش بررسی شد که نتایج بررسی آنها نشان داد که رضایت شغلی، رضایت از زندگی، با این پرسش‌نامه ارتباط منفی و تعارض و ابهام نقش با پرسش‌نامه ارتباط مثبت دارد (نت مایر و همکاران، ۱۹۹۶). محققان ایرانی ضریب پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند (سبک‌رو، کلهریان و طالقانی، ۱۳۹۰). همچنین، روایی همگرایی این پرسش‌نامه در ایران توسط فاتحی‌زاده (۱۳۸۶) بررسی شده است که روایی همگرایی آن با پرسش‌نامه تعارض نقش کوپلمن^۳ و همکاران (۱۹۸۳) برای بخش تعارض کار-خانواده ۰/۷۵ و برای بخش تعارض خانواده-کار ۰/۸۱ گزارش شده است (نقل از ملکپها و همکاران، ۱۳۹۲). با استفاده از روایی همگرایی در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ به دست آمد.

ب) مقیاس دلبستگی بزرگسال (RASS):^۴ مقیاس دلبستگی بزرگسالان ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کولینز و رید^۵ تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد ارتباط خود توصیفی شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک است و سه خرده مقیاس دارد که عبارت انداز: دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی مضطرب دو سوگرا و مشتمل بر ۱۸ گویه است که توسط علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت که برای هر گویه (که از ۰ «اصلاً ویژگی من نیست» تا ۴ «کاملاً ویژگی من است») سنجیده می‌شود. کولینز و رید (۱۹۹۰) اعتبار خرده مقیاس‌های این مقیاس را هم از طریق آلفای کرونباخ و هم از روش بازآزمایی پس از دو ماه بازآزمون، بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ گزارش کردند. در ایران پایایی این مقیاس با استفاده از روش آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا، همبستگی بین نتایج دو اجرا A قابل‌اعتمادترین ($r = 0/75$) و C ($r = 0/75$) و D ($r = 0/48$) به دست آمد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس در دو مولفه کلی سبک دلبستگی ایمن و ناایمن به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۷۴ به دست آمد.

ج) مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM):^۶ این مقیاس یک ابزار خودسنجی است که توسط پاینز^۷ (۱۹۹۶) تدوین شده است و دارای سه خرده مقیاس دلزدگی جسمی^۸ (۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۶ و ۲۱)، دلزدگی عاطفی^۹ (۲، ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۷) و دلزدگی

1. Work-Family Conflict Scale
2. Netemeyer
3. Kopelman
4. Revised Adult Attachment Scale
5. Collins and Read
6. Couple Burnout Measurement
7. Paines
8. Physical Burnout
9. Emotional Burnout

روانی^۱ (۶، ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) است. مقیاس دزدگی زناشویی ۲۱ گویه دارد که از این تعداد ۱۷ گویه عبارت‌های منفی مانند خستگی، ناراحتی و بی‌ارزش بودن و ۴ گویه عبارات مثبت مانند خوشحال بودن و پرانرژی بودن را شامل می‌شود. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس توسط طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از هرگز تا همیشه است که نمره بالاتر نشانگر دزدگی زناشویی بیشتر است. قابل ذکر است که نمره‌گذاری ۴ گویه این مقیاس (۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷) به صورت معکوس انجام می‌شود (سودانی، دهقان و دهقان‌زاده، ۱۳۹۲). پایایی نسخه اصلی این مقیاس با استفاده از آزمون - بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای دوره دوم‌ماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه گزارش شده است. همچنین، همسانی درونی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ گزارش شده است (پاینز، ۱۹۹۶). پایایی این مقیاس در ایران توسط نویدی (۱۳۸۴) با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش شده است (نقل از سودانی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین، روایی این مقیاس از طریق داشتن همبستگی منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت همچون نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها تأیید شده است (نادری و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر پایایی کل مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۳ به دست آمد.

د) مقیاس پرخاشگری و قربانی شدن در روابط زوجین^۲ (CRAS): نلسون و کارول^۳ (۲۰۰۶) این مقیاس را تدوین کردند که شامل ۱۲ گویه است که دو خرده مقیاس کناره‌گیری عاطفی^۴ با سوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶؛ خراب کردن وجهه اجتماعی^۵ با سوالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ اندازه‌گیری می‌شوند. سوالات مقیاس در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۷) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات پرسش‌نامه برای کل سوالات ۱۲ تا ۸۴ خواهد بود. نمره بالا در این مقیاس نشانگر پرخاشگری ارتباطی بیشتر در رابطه بین زوجین است. سازندگان مقیاس ضرایب آلفای کرونباخ را برای مردان در کناره‌گیری عاطفی ۰/۹۰ و خراب کردن وجهه اجتماعی ۰/۸۸ و برای زنان در کناره‌گیری عاطفی ۰/۸۶ و خراب کردن وجهه اجتماعی ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند (نلسون و کارول، ۲۰۰۶). همچنین روایی سازه این ابزار با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مطلوب گزارش شده است (کرامر^۶، ۲۰۱۵). در ایران برای بررسی اعتبار این پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضرایب پاسخ‌های شوهران در مورد همسران خود برای کل مقیاس ۰/۸۵، کناره‌گیری عاطفی ۰/۸۵ و خراب کردن وجهه اجتماعی ۰/۸۳ و همچنین ضرایب پاسخ‌های همسران در مورد شوهران خود برای کل مقیاس ۰/۸۵، کناره‌گیری عاطفی ۰/۸۴ و خراب کردن وجهه اجتماعی ۰/۸۲ به دست آمده است (حمیدی کیان و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، روایی سازه این مقیاس در پژوهش حمیدی کیان و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی مطلوب گزارش شده است. در این پژوهش اعتبار پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ بررسی شد که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۷ برای کل مقیاس به دست آمد.

برای تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از آماره‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار)، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (جهت سنجش پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها)، ماتریس همبستگی و تحلیل مسیر استفاده شد که همه‌ی این آزمون‌ها با استفاده از با استفاده از نرم افزار SPSS26 و Amos23 تحلیل شدند.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۲۲۵ نفر شرکت کردند که اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

1. Mental Burnout
2. Cover Relational Aggression and Victimization Scale
3. Nelson & Carroll
4. Love Withdrawal
5. Social sabotage
6. Cramer

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان از نظر سن، تحصیلات و داشتن فرزند

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
سن			
۲۰-۳۰	۷۱	۳۱/۶	۳۱/۶
۳۱-۴۰	۸۶	۳۸/۲	۶۹/۸
۴۱-۵۰	۶۶	۲۹/۳	۹۹/۱
بالای ۵۰ سال	۲	۰/۹	۱۰۰
تحصیلات			
ابتدایی	۲۴	۱۰/۷	۱۰/۷
راهنمایی	۵۳	۲۳/۶	۳۴/۲
دیپلم و فوق دیپلم	۷۱	۳۱/۶	۶۵/۸
لیسانس	۵۳	۲۳/۶	۸۹/۳
فوق لیسانس و بالاتر	۲۴	۱۰/۷	۱۰۰
دارای فرزند	۱۳۱	۵۸/۲	۵۸/۲
فاقد فرزند	۹۴	۴۱/۸	۱۰۰

زنان شاغل در دامنه سنی ۳۱-۴۰ سال بیشترین فراوانی سنی را با ۸۶ نفر از ۲۲۵ نفر به خود اختصاص داده‌اند و کمترین فراوانی سنی مربوط به دامنه سنی ۵۰ سال به بالاست که ۲ نفر (۰/۹ درصد) بودند. همچنین، از نظر متغیر تحصیلات، بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان در این پژوهش دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم بودند (۷۱ نفر=۳۱/۶ درصد). علاوه بر این، از میان شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، ۱۳۱ نفر (۵۸/۲ درصد) دارای فرزند و ۹۴ نفر (۴۱/۸ درصد) فاقد فرزند بودند. در ادامه یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش همچون میانگین، انحراف استاندارد و کمینه و بیشینه ارائه شده است که نتایج مربوط به هر شاخص در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
سبک دلبستگی ایمن	۵	۲۴	۱۱/۵۶	۲/۷۱
سبک دلبستگی ناایمن	۱۶	۴۳	۳۰/۷۰	۵/۳۱
تعارض کار-خانواده	۱۰	۴۸	۲۰/۶۸	۷/۲۰
پرخاشگری پنهان	۳۸	۸۲	۶۰/۵۴	۸/۳۵
دلزدگی زناشویی	۳۷	۱۰۰	۶۸/۲۹	۸/۵۴

مطابق نتایج جدول فوق میانگین و انحراف استاندارد سبک دلبستگی ایمن $11/56 \pm 2/71$ ، سبک دلبستگی ناایمن $30/70 \pm 5/31$ ، تعارض کار-خانواده $20/68 \pm 7/20$ ، پرخاشگری پنهان $60/54 \pm 8/35$ و دلزدگی زناشویی $68/29 \pm 8/54$ است. قبل از بررسی فرضیه‌های پژوهش مفروضه‌های مربوط به رگرسیون چندمتغیری و تحلیل مسیر بررسی شد. از آنجایی که یکی از مفروضه‌های اصلی تحلیل‌های آماری بررسی نرمال بودن توزیع داده‌هاست برای این منظور از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف^۱ استفاده شد که نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که سطح معناداری مقادیر Z محاسبه شده از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف همگی از $(0/05)$ بیشتر هستند و این نشان می‌دهد که فرض نرمالیتی داده‌ها رعایت شده است و برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک در تحلیل داده‌ها ممانعتی وجود ندارد. برای این منظور گام اول در بررسی فرضیه‌های تحلیل مسیر بررسی

1. Kolmogorov-Smirnov

ماتریس همبستگی بین متغیرهاست که در این پژوهش برای بررسی همبستگی متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این بررسی در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱= سبک دلبستگی ایمن	۱	-	-	-	-
۲= سبک دلبستگی ناایمن	-۰/۰۰۳	۱	-	-	-
۳= تعارض کار-خانواده	-۰/۲۸۰**	۰/۱۲۰	۱	-	-
۴= پرخاشگری پنهان	-۰/۱۷۲**	۰/۱۴۵*	۰/۲۳۴**	۱	-
۵= دلزدگی زناشویی	-۰/۲۳۱**	۰/۲۳۸**	۰/۲۸۱**	۰/۲۶۸**	۱

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، بین سبک دلبستگی ایمن با تعارض کار-خانواده، پرخاشگری پنهان و دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$). همچنین، بین سبک دلبستگی ناایمن با پرخاشگری پنهان ($p < ۰/۰۵$) و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$). علاوه بر این، رابطه بین تعارض کار-خانواده با پرخاشگری پنهان و دلزدگی زناشویی مثبت و معنادار است ($p < ۰/۰۱$). از طرفی، بین پرخاشگری پنهان با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$).

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی ناایمن و تعارض کار-خانواده با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان بر دلزدگی زناشویی، مدلی فرضی بر اساس پیشینه نظری و تجربی طراحی شد. برای ارزیابی مدل فرضی این پژوهش ابتدا پارامترها با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی برآورد شدند. پارامترهای برآورد شده شامل ضرایب اثر مستقیم، ضرایب اثر غیر مستقیم و ضرایب اثر کل است که در ادامه ارائه شده است:

جدول ۴. ضرایب استاندارد و اثر مستقیم متغیرها در مدل مسیر پیشنهادی

مسیر	میزان برآورد	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی (t)	سطح معنی‌داری
سبک دلبستگی ایمن $\rightarrow$ پرخاشگری پنهان	-۰/۳۶۸	-۰/۱۱۹	۰/۲۰۵	-۱/۷۹۱	۰/۰۷۳
سبک دلبستگی ایمن $\rightarrow$ دلزدگی زناشویی	-۰/۴۷۹	-۰/۱۵۲	۰/۲۰۱	-۲/۳۸۷	۰/۰۱۷
سبک دلبستگی ناایمن $\rightarrow$ پرخاشگری پنهان	۰/۲۰۰	۰/۱۲۸	۰/۱۰۱	۱/۹۷۷	۰/۰۴۸
سبک دلبستگی ناایمن $\rightarrow$ دلزدگی زناشویی	۰/۳۰۵	۰/۱۸۹	۰/۰۹۹	۳/۰۶۹	۰/۰۰۲
تعارض کار-خانواده $\rightarrow$ پرخاشگری پنهان	۰/۲۱۵	۰/۱۸۴	۰/۰۷۸	۲/۷۴۲	۰/۰۰۶
تعارض کار-خانواده $\rightarrow$ دلزدگی زناشویی	۰/۲۰۵	۰/۱۷۳	۰/۰۷۷	۲/۶۷۳	۰/۰۰۸
پرخاشگری پنهان $\rightarrow$ دلزدگی زناشویی	۰/۱۷۷	۰/۱۷۳	۰/۰۶۵	۲/۷۲۳	۰/۰۰۶

همان گونه که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند، علی‌رغم معنادار نشدن رابطه سبک دلبستگی ایمن با پرخاشگری ارتباطی پنهان ($P > ۰/۰۵$) رابطه سبک دلبستگی ایمن با دلزدگی زناشویی منفی و معنادار است ($P < ۰/۰۵$). همچنین، سبک دلبستگی ناایمن دارای اثر مثبت و مستقیم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان ($P < ۰/۰۵$) و دلزدگی زناشویی است ($P < ۰/۰۱$). علاوه بر این، متغیر تعارض کار-خانواده دارای اثر مثبت و مستقیم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان ($P < ۰/۰۱$) و دلزدگی زناشویی است ($P < ۰/۰۱$). علاوه بر این، نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که متغیر پرخاشگری پنهان دارای اثر مثبت و مستقیم بر دلزدگی زناشویی است ($P < ۰/۰۱$).

به‌منظور بررسی نقش واسطه‌گری پرخاشگری پنهان در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و نایمن و تعارض کار-خانواده با دلزدگی زناشویی، از روش بوت‌استرپ^۱ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. برآورد مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل با استفاده از بوت‌استرپ

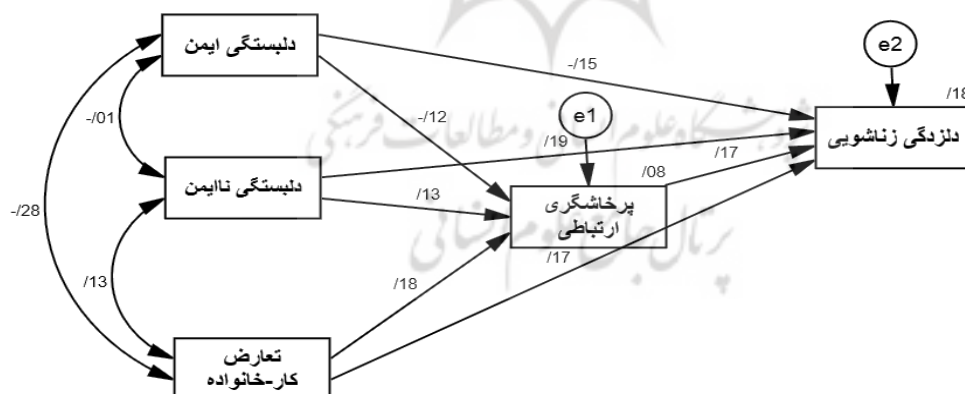
متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	فاصله اطمینان (۰/۹۵)	مقدار برآورد	مقدار استاندارد	حد پایین	حد بالا
دلبستگی ایمن	پرخاشگری ارتباطی پنهان	دلزدگی زناشویی	-۰/۰۶۵	-۰/۰۲۱	-۱/۰۲۸	-۰/۱۵۴	
دلبستگی نا ایمن	پرخاشگری ارتباطی پنهان	دلزدگی زناشویی	۰/۰۳۵	۰/۰۲۲	۰/۱۴۵	۰/۵۳۴	
تعارض کار-خانواده	پرخاشگری ارتباطی پنهان	دلزدگی زناشویی	۰/۰۳۸	۰/۰۳۲	۰/۱۰۹	۰/۴۰۱	

جدول ۵ نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن نمرات حد پایین و بالای متغیرها که هر دو مقدار بالا و پایین هم جهت بودند و صفر را شامل نمی‌شدند اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن و نایمن و تعارض کار-خانواده بر دلزدگی زناشویی معنادار می‌باشد ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۶: شاخص‌های برازش مدل نهایی

شاخص‌ها	X^2	X^2/df	NFI	GFI	CFI	RMSEA
مقدار به دست آمده	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۰۰
مقدار قابل قبول	< ۳	< ۳	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	< ۰/۰۱۰

نتایج جدول ۶ نشان داد که مدل به خوبی با داده‌ها برازش می‌کند ($\chi^2/df = ۰/۰۱۱$ ، $CFI = ۰/۹۹$ ، $RMSEA = ۰/۰۰۰$). شکل زیر ضرایب استاندارد متغیرها را در مدل نهایی نشان می‌دهد.



$X^2 = .011$ D.F=1 RMSEA=.000

شکل ۲. ضرایب مسیر متغیرها در حالت استاندارد

1. Bootstrap

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه بین تعارض کار-خانواده و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی در زنان شاغل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بود.

نتیجه حاصل از این پژوهش نشان داد که تعارض کار-خانواده با دلزدگی زناشویی زنان رابطه مستقیم و معناداری دارد. در مطالعه‌ای همسو با این یافته سیمانجونتاک، یولیاتی و کومالاساری^۱ (۲۰۲۴) که به بررسی تأثیر حمایت اجتماعی، عملکرد خانواده، تعارض کار-خانواده و رضایت زناشویی بر کیفیت زندگی زنان شاغل در اندونزی پرداختند، به این نتیجه رسیدند که تعارض کار-خانواده می‌تواند تأثیر منفی بر کیفیت زندگی زنان شاغل بگذارد. بنابراین، زنان شاغل باید استراتژی‌های متعادل‌کننده‌ای را برای کاهش تعارضات خانواده-کار، مانند اجتناب از آوردن کار به خانه، اجرا کنند. عملکردهای خانواده را می‌توان با تقسیم انعطاف‌پذیر نقش‌ها و وظایف بهینه کرد و برای رضایت زناشویی مناسب، زوجین باید ارتباط خوب و درک متقابل را حفظ کنند. در پژوهش دیگری ژانگ^۲ (۲۰۲۵) نشان داد که زنان شاغل در کنار تعارض کار-خانواده، چالش‌های خانوادگی گوناگونی تجربه می‌کنند. در مقابل، فرخ^۳ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی نشان دادند که نظارت توهین‌آمیز توسط کارفرما باعث خستگی عاطفی می‌شود که به نوبه خود منجر به تعارض کار-خانواده می‌شود. با این حال، هیچ رابطه معناداری بین تعارض کار-خانواده و قصد طلاق پیدا نشد. آنچه از نتیجه مطالعات موجود در این زمینه قابل استنباط است این است که محیط چالش‌برانگیز شغلی می‌تواند تأثیر منفی بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شاغل داشته باشد. با این حال، صرف وجود چالش در محیط شغلی عامل تعیین‌کننده برای وخیم شدن مشکلات زناشویی نیست و در این میان عواملی هستند که ممکن است اثرات منفی تعارض کار-خانواده را بر روی مشکلات زناشویی تسریع ببخشند.

نتیجه به دست آمده را می‌توان بر اساس رویکردهای سیستمی این‌گونه تبیین کرد که زنان شاغل ممکن است برای کاهش استرس و فشار روانی موجود در محیط شغلی در صدد جستجوی محیط امنی برای تخلیه بار روانی ناشی از این تضادها باشند که این محیط امن می‌تواند خانواده در نظر گرفته شود. با این حال، عدم استقبال و حمایت خانواده از فرد در مقابل این تقاضاهای پر تنش نه تنها ممکن است کمکی به کاهش استرس این افراد نکند بلکه با متشنج کردن جو عاطفی خانواده و بروز تعارض در خانواده ضمن افزایش میزان درماندگی و فرسودگی تجربه شده آنها باعث شود در زندگی زناشویی نیز از نظر روانی و هیجانی انرژی و اشتیاق خود را از دست بدهند (آیدوگان و کزیلداق^۴، ۲۰۱۷).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که تعارض کار-خانواده با پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین رابطه مثبت و معناداری دارد. علی‌رغم اینکه تاکنون پژوهشی که به طور مستقیم به بررسی رابطه تعارض کار-خانواده با پرخاشگری ارتباطی پنهان در زوجین بپردازد، انجام نشده است. با این حال، برخی از پژوهش‌ها رابطه بین تعارض کار-خانواده را با بروز پرخاشگری در اعضای خانواده بررسی کرده‌اند. برای مثال؛ همسو با نتیجه پژوهش حاضر وانگ^۵ و همکاران (۲۰۲۴) در بررسی تأثیر تعارض کار-خانواده بر بروز پرخاشگری در روابط اعضای خانواده به این نتیجه رسیدند که تعارض کار-خانواده مادر با اتخاذ سبک فرزندپروری سختگیرانه از سوی والدین رابطه دارد که این عامل به نوبه خود باعث شیوع پرخاشگری سایبری در نوجوانان می‌شود. در پژوهش همسوی دیگری در این زمینه علی، غرایبه و عویس^۶ (۲۰۲۵) نشان دادند که تعارض کار-خانواده و مکانیسم‌های آشفته‌ای رابطه‌ای با نارضایتی زناشویی ارتباط منفی دارند. همچنین، تعارض کار-خانواده با تاکتیک‌های تعارض منفی (توزیعی، اجتنابی، پرخاشگری

1. Simanjuntak, Yuliati & Kumalasari

2. Zhang

3. Farrukh

4. Aydogan & Kizildag

5. Wang

6. Ali, Gharaibeh & Awais

کلامی و پرخاشگری فیزیکی) ارتباط مثبت داشت. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تعارض کار-خانواده به طور قابل توجهی بر پویایی رابطه و سبک‌های حل تعارض تأثیر می‌گذارد که به نوبه خود بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد. در پژوهش همسوی دیگری کولیک و رامون^۱ (۲۰۲۲) نشان داده‌اند که تعارض خانوادگی و کاری با تضعیف همسر و اتخاذ تاکتیک‌های کلامی-عاطفی و اجتنابی مرتبط بود. همچنین، خزاعی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که بین تعارض کار-خانواده و سبک‌های دلبستگی با پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین رابطه وجود دارد. آنچه از مقایسه نتایج مطالعات موجود در این زمینه با نتیجه حاصل از یافته فرضیه حاضر قابل درک است این است که تعارض کار-خانواده عاملی است که نه به صورت مستقیم بلکه با تأثیرگذاری بر کیفیت روابط بین اعضای خانواده و همچنین از طریق تأثیرگذاری بر شیوه‌های تعامل آنها و سبک‌های حل تعارض زوجین می‌تواند در بلند مدت بر رضایت زناشویی یا دزدگی آنها از زندگی زناشویی تأثیرگذار باشد. درواقع، با مروری بر مبانی تجربی موجود یافته حاضر را این‌گونه می‌توان تبیین کرد که تعارض کار-خانواده به دلیل فشار روانی که بر زنان شاغل تحمیل می‌کند ممکن است باعث شود تا این زنان نتوانند به صورت مثبت با این تعارض‌ها مقابله کنند. چرا که به دلیل تفاوت‌های جنسیتی، زنان در بروز خشم روش غیرمستقیم‌تری نسبت به بروز مستقیم خشم در مردان دارند (اونن^۲، ۲۰۲۳).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با دزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، بین سبک دلبستگی ناایمن با دزدگی زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همسو با این یافته فرخ‌زاد و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن تأثیر منفی و سبک دلبستگی ناایمن تأثیر مثبت بر دزدگی زناشویی داشت. شباهت این پژوهش با یافته حاضر از این جهت است که در این پژوهش نیز شرکت‌کنندگان زنان شاغل بودند که این امر نتیجه‌گیری در این مورد را راحت‌تر می‌کند. همچنین، امانی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن دارای رابطه مثبت و معناداری با کاهش تعارضات زناشویی است. آنچه از این پژوهش‌ها استنباط می‌شود که تا حدودی با نتیجه پژوهش حاضر هم شباهت دارد این است که در همه پژوهش‌ها مشخص شده است که سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و اضطرابی) رابطه مثبت و معناداری با دزدگی زناشویی دارد در حالی که، رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با دزدگی زناشویی منفی و معنادار است.

نتیجه به دست آمده را می‌توان با استفاده از نتایج مطالعات موجود در این زمینه این‌گونه تبیین کرد که افرادی که از سبک دلبستگی ایمنی برخوردارند چون از نظر شناختی دید مثبتی به خود و دیگران دارند از نظر اجتماعی نیز به راحتی می‌توانند با دیگران رابطه مثبتی برقرار کنند. این رابطه مثبت با دیگران ضمن فراهم کردن حمایت اجتماعی مطلوب در محیط خارج از خانه، در محیط خانواده نیز باعث نزدیکی عاطفی و روانی زوجین به هم شده و باعث می‌شود تا زوجین به پناهگاهی امن برای یکدیگر تبدیل شوند. در چنین شرایطی حتی با وجود تجربه چالش‌هایی در محیط شغلی، به راحتی می‌توانند در مورد این دشواری‌ها با همسر خود گفت‌وگو کرده و به تنظیم موفق هیجانات خود بپردازند. در حالی که این قضیه در افراد با سبک دلبستگی ناایمن بالعکس است (گونسالوس^۳ و همکاران، ۲۰۲۴).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که از بین مولفه‌های سبک دلبستگی تنها مولفه سبک دلبستگی ناایمن با پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه مثبت و معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش مالوف و همکاران (۲۰۲۲) همسوست که نشان داده‌اند رابطه معناداری بین هر دو بعد دلبستگی ناایمن و مدل سه جانبه ابراز خشم وجود دارد. علاوه‌براین، کمال‌الدین^۴ و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند که رابطه معناداری بین تیپ شخصیتی، تنهایی، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی مضطرب با پرخاشگری رابطه‌ای وجود دارد. همچنین، اسعدی و همکاران (۱۴۰۱) در تدوین مدل دزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی در افراد

1. Kulik & Ramon

2. Önen

3. Gonçalves

4. Kamaluddin

متأهل: با نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی به این نتیجه رسیدند که تمایز یافتگی از میان مولفه‌های سبک دلبستگی تنها در رابطه بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دزدگی زناشویی نقش میانجی داشت. مروری بر پژوهش‌های ارائه شده در این بخش نشان می‌دهد که همسو با نتیجه پژوهش حاضر، از میان مولفه‌های سبک‌های دلبستگی، ارتباط بین مولفه دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) با پرخاشگری ارتباطی مشهودتر است و هرچه سبک دلبستگی یکی از زوجین یا هر دو آنها ناایمن باشد، احتمال بروز رفتارهای هیجانی همچون خشم و پرخاشگری نسبت به اطرافیان در خانواده بیشتر است.

در تبیین وجود این رابطه می‌توان از نظریه دلبستگی استفاده کرد که بیان می‌کند افراد با سبک دلبستگی ناایمن به ویژه ناایمن اضطرابی معمولاً نیازها و خواسته‌های خود را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهند و برای جلب رضایت طرف مقابل ممکن است به صورت صریح رنجش و ناراحتی‌های خودشان را مطرح نکنند که این با مولفه خراب کردن وجهه اجتماعی همخوانی دارد. از طرفی، چون افراد با دلبستگی اجتنابی برای جلوگیری از صدمه ناشی از طرد یا ترک شدن توسط دیگران راهکار اجتنابی اتخاذ می‌کنند به احتمال زیاد در هنگام تجربه خشم یا هیجانات منفی در رابطه زناشویی به صورت اجتنابی واکنش دهند که این راهبردها با مولفه کناره‌گیری عاطفی در پرخاشگری پنهان ارتباطی همخوان است (کلیفورد^۱، ۲۰۱۳).

یافته دیگر نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین با افزایش سطح دلزگی زناشویی در رابطه زوجی رابطه مثبت و معناداری دارد. این یافته با نتیجه پژوهش چن^۲ (۲۰۱۸) همسو است که نشان داد عاطفه منفی تأثیرات تعاملی پرخاشگری چند کانونی محل کار و مقابله مشکل مدار بر تعارض‌های کار و خانواده کارکنان را واسطه می‌کند. گاتمن^۳ (۱۹۹۴) معتقد بود، در صورتی که تعاملات زناشویی با هیجانات منفی از قبیل تحقیر و انزجار همراه شود، به بی‌ثباتی ازدواج منجر می‌شود (به نقل از کیم^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). آنچه از بررسی این پژوهش‌ها برمی‌آید این است که هر چند به صورت مستقیم رابطه بین پرخاشگری ارتباطی پنهان با دلزدگی زناشویی مورد بررسی قرار نگرفته است، با این رابطه آن با متغیرهای زناشویی مهم همچون ثبات ازدواج و رضایت زناشویی نشان می‌دهد که بروز پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه زوجین باعث تداوم نارضایتی در رابطه بین زوجین می‌شود و دلیل آن می‌تواند ابراز غیرمستقیم خشم در رابطه باشد که در چنین حالتی عامل ناراحتی زوجین چون به درستی مطرح نمی‌شود، احتمال رفع آن در چارچوب ازدواج کم‌رنگ‌تر می‌شود و همین عامل می‌تواند موجب دلسردی زوجین از یکدیگر و از کل ازدواجشان شود.

نتیجه به دست آمده از این فرضیه را می‌توان با استفاده از رویکرد تحلیل تبادلی تبیین کرد. اریک برن^۵ (۱۹۵۸) در رویکرد تحلیل تبادلی ادعان می‌کند یکی از اصلی‌ترین نیازهای انسان و عامل اصلی برانگیزاننده در روابط اجتماعی نیاز به نوازش و یا تأیید و همراهی دیگران است (وس و ون ریژن^۶، ۲۰۲۲). بنابراین، وقتی در رابطه زناشویی رابطه به صورت غیرمستقیم برقرار شود و زوجین از طریق این رابطه به جای تأیید و همراهی یکدیگر در صدد ابراز منفعلانه خشم خود برمیایند، نیاز اصلی آنها به نوازش یا تأیید برآورده نخواهد شد در نتیجه احساس یأس و دلسردی آنها نسبت به زندگی مشترک افزایش خواهد یافت.

نتایج دیگر نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان قادر به ایفای نقش میانجی کامل در رابطه بین تعارض کار - خانواده با دلزدگی زناشویی است. این یافته با نتیجه پژوهش چن (۲۰۱۸) همسو است که نشان داد عاطفه منفی تأثیرات تعاملی پرخاشگری چند کانونی محل کار و مقابله مشکل مدار بر تعارض‌های کار و خانواده کارکنان را واسطه می‌کند. همچنین، اسعدی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که با توجه به رابطه سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی و همچنین با توجه به

1. Clliford

2. Chen

3. Gottman

4. Kim

5. Born

6. Vos & van Rijn

رابطه تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی می‌توان گفت که تمایز یافتگی در رابطه سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. علاوه بر این، پارپایی، امیری و مختاری (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با نقش میانجی ارتباط موثر همسران می‌توانند رضایت زناشویی را تبیین کنند. هر چند تاکنون پژوهشی مشابهی در این خصوص انجام نشده است و پیشینه پژوهشی ذکر شده از نظر ارتباط بین متغیرها و جامعه آماری با هم تفاوت دارند، اما نکات تشابه همه این پژوهش‌ها این است که تجربه دلبستگی آسیب‌زا و یا تجارب شغلی تنش‌زا زمانی می‌توانند کیفیت زندگی زناشویی بین زوجین را دچار آسیب کنند که بر تعامل بین زوجین و نحوه ارتباط بین آنها تأثیر بگذارند و باعث بروز پریشانی و پرخاشگری در رابطه آنها شوند که در چنین حالتی بروز تعارض‌های زناشویی و در بلند مدت دلزدگی زناشویی محتمل است.

در تبیین نتیجه به دست آمده از این فرضیه می‌توان از نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه استفاده کرد که اذعان داشته‌اند زمانی که بین تقاضاهای محیط شغلی با محیط خانوادگی همخوانی وجود نداشته باشد، زنان شاغل با پدیده تعارض کار-خانواده مواجه می‌شوند که تجربه استرس چندگانه از سوی آنها را به همراه دارد. درواقع، اشتغال ذهنی نسبت به وظایف شغلی فشارهایی را به شوهر آنها برای مشارکت زیادتر در فعالیت‌های خانوادگی نیز وارد می‌کند (خانی و همکاران، ۱۴۰۲). در چنین حالتی، وقتی استرس تجربه شده دوسویه باشد باعث می‌شود تا هم زن و هم شوهر پایگاه امنی که رابطه زناشویی قرار بود برای هر کدام از آنها به همراه داشته باشد را از دست بدهند. تجربه چنین احساس ناکامی در رسیدن به هدف ازدواج ممکن است سبب ایجاد احساس خشم در زوجین شود. در چنین حالتی زنان ممکن است به دلیل تفاوت قدرت در خانواده یا شیوه‌های ابراز هیجان آموخته شده قبلی در خانواده اصلی‌شان به صورت منفعلانه و غیرمستقیم به بروز خشم خود نسبت به همسر خود اقدام کنند که این ابراز منفعلانه خشم باعث انباشت احساسات منفی نسبت به همسر می‌شود و بر کیفیت رفتار آنها با همسرشان تأثیر منفی می‌گذارد که نهایتاً با فعال کردن الگوی ارتباطی منفی بین زوجین به مرور سبب دلسردی آنها از یکدیگر و زندگی مشترک می‌شود. در این زمینه محققان نشان داده‌اند که پرخاشگری ارتباطی پنهان را می‌توان نوعی دفاع ناکارآمد در برابر ناملايمات زندگی زوجی تلقی کرد. دفاعی که به طور موقت از طریق اجتناب از تعارض و بروز هیجانات اصلی به صورت مانعی برای ارضای نیازهای روانی-هیجانی زوجین در رابطه زناشویی عمل می‌کند. لذا، عدم بروز و ارضای نیازهای روانی-هیجانی در سایه اجتناب از تعارض و هیجانات منفی و نشان دادن آن در قالب پرخاشگری ارتباطی پنهان موجب حل نشدن تعارض و ناهمخوانی بین انتظار زوجین از ازدواج با واقعیات زندگی زناشویی می‌شود که خود باعث ایجاد احساس یأس و دلسردی در آنها نسبت به زندگی مشترک می‌شود (درگاهی، اعیادی و خبازی، ۱۴۰۳).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین قادر به ایفای نقش میانجی در رابطه بین مؤلفه سبک دلبستگی ایمن و نایمن با دلزدگی زناشویی است. با این حال، اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی نایمن بر دلزدگی زناشویی معنادار نمی‌باشد. همسو با این یافته اولیایی و قاسمی‌پور (۱۴۰۱) نشان دادند که میزان مهارت ارتباطی هر یک از زوجین و نوع سبک دلبستگی که در افراد شکل گرفته، در دلزدگی زناشویی زندگی مشترکشان مؤثر است. علاوه بر این، کمال‌الدین و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند که رابطه معناداری بین تیپ شخصیتی، تنهایی، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی مضطرب با پرخاشگری رابطه‌ای وجود دارد. در تبیین این فرضیه می‌توان از نظریه دلبستگی استفاده کرد که بیان می‌کند که افراد دلبسته ایمن زیاد در مورد عشق طرف مقابل یا احتمال رهاشدن توسط وی نگران نیستند برای همین به راحتی به دیگران اعتماد می‌کنند. معمولاً این‌گونه افراد روابطشان را شاد، دوستانه و قابل اعتماد توصیف می‌کنند و قادر به پذیرش بی‌قیدوشرط و حمایت از همسر خود هستند (اربر و اربر^۱، ۲۰۱۷).

1. Erber & Erber

بنابراین، برخورداری زنان شاغل از سبک دلبستگی ایمن می‌تواند با تأثیرگذاری بر ارزیابی شناختی آنها از همسر و بهبود کیفیت تعامل زوجی ضمن افزایش مضامین و الگوهای رفتاری مثبت در روابط بین آنها به افزایش همدلی نسبت به همسر و حمایت و پذیرش از او بینجامد؛ لذا، در چنین فضای ایمن حاکم بر خانواده که زوجین به حمایت و پذیرش متقابل می‌پردازند احتمال اتخاذ راهبردهای اجتنابی و منفعلانه در مواجهه با چالش‌های زندگی کاهش می‌یابد. چراکه زوجین در نتیجه ایمن بودن دلبستگی‌شان و به تبع آن ایمن‌سازی فضای حاکم بر روابطشان نگرانی بابت بیان هیجانات خود و واکنش‌های احتمالی همسرشان تجربه نمی‌کنند، نگاهشان به رابطه و همسر مثبت است و به دنبال افزایش فراوانی تجربه عواطف مثبت در رابطه با همسر و ارضای نیازهای روانی - هیجانی در ازدواج اشتیاق و انگیزه آنها برای مسئولیت‌پذیری در ازدواج و حفاظت از زندگی مشترکشان بیشتر می‌شود که این ویژگی‌ها احتمال بروز دلزدگی در ازدواج را به صورت محسوسی کاهش می‌دهد.

نتایج این پژوهش نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان قادر به ایفای نقش میانجی در رابطه بین مؤلفه‌های دلبستگی و تعارض کار - خانواده با دلزدگی زناشویی در زنان شاغل است. به عبارتی دیگر، یافته نشان داد که زنان شاغل در صورت تجربه تعارض در زندگی شغلی و خانوادگی در صورتی که از راهبردهای غیر مواجهه‌ای یا غیرمستقیم همچون پرخاشگری ارتباطی پنهان استفاده کنند با استیصال و درماندگی در زندگی زناشویی مواجه خواهند شد که می‌تواند به صورت دلزدگی زناشویی تجربه شود. از طرفی، وجود برخی از ویژگی‌های شخصیتی همچون سبک دلبستگی ایمن با کاهش استرس ادراک شده در زنان شاغل مانع از گرایش آنها به استفاده از راهبردهای اجتنابی در مواجهه با چالش‌های زندگی می‌شود و باعث می‌شود زوجین با حمایت از یکدیگر و اتخاذ راهبرد مقابله‌ای مطلوب ضمن کمک به حفظ ثبات زندگی زناشویی احساسات منفی کمتری نسبت به رابطه زناشویی و همسر خود تجربه کنند.

اگرچه مطالعه حاضر بینش‌های ارزشمندی در مورد چالش‌های زناشویی و شغلی زنان شاغل ارائه می‌دهد، اما باید به چندین محدودیت نیز توجه داشت. اول، اتکا به پرسش‌نامه خودگزارشی به عنوان تنها روش جمع‌آوری داده‌ها ممکن است باعث ایجاد سوگیری خودگزارشی شده باشد که به طور بالقوه بر اعتبار یافته‌ها تأثیر می‌گذارد. دوم، با توجه به تنوع قومی و فرهنگی در ایران، انجام این تحقیق صرفاً در تهران ممکن است تعمیم‌پذیری آن را به سایر زنان شاغل ایرانی که در این مطالعه گنجانده نشده‌اند، محدود کند. لذا، بهتر است در تحقیقاتی آتی این پرسش‌نامه با در نظر گرفتن تنوع فرهنگی در سایر شهرها هم انجام شود. از دیگر محدودیت‌های پیش رو در انجام این تحقیق ناتوانی محقق در کنترل همه متغیرهای تأثیرگذار بر نتیجه پژوهش همچون وضعیت اقتصادی-اجتماعی شرکت‌کنندگان یا تأثیر سن و زمینه بافتی و فرهنگی شرکت‌کنندگان بر نتیجه پژوهش بود که پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در این زمینه با وارد کردن متغیرهای جمعیت‌شناختی در قالب متغیرهای تعدیل‌گر در مدل به کنترل تأثیر این متغیرها بر نتیجه تحقیق بپردازند.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان برای متخصصان مشاوره و روان‌درمانی برای مداخله موثر در زمینه دلزدگی زناشویی زنان شاغل مواردی را به عنوان پیشنهاد کاربردی مطرح کرد. در ابتدا، با توجه به اثرپذیری چندگانه دلزدگی زناشویی از متغیرهای مختلف، پیشنهاد می‌شود تا مسئولان مربوطه در این زمینه در تدارک برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای برای خانواده‌ها با در نظر گرفتن نقش متغیرهای فردی، شغلی و خانوادگی برنامه آموزشی جامع برای خانواده‌ها تدارک ببینند. همچنین، با توجه به نقش میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان در بروز دلزدگی زناشویی پیشنهاد می‌شود تا مشاوران خانواده و به ویژه مشاوران پیش از ازدواج مهارت‌های زندگی همچون مهارت برقراری ارتباط مؤثر یا غنی‌سازی روابط را به زوجین و جوان‌ها قبل و بعد از ازدواج آموزش دهند.

ملاحظات اخلاقی

تشریح اهداف پژوهش، جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان برای مشارکت در پژوهش، اطمینان دهی در مورد محرمانه ماندن اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان و رعایت نکات اخلاقی در استفاده از منابع مورد استفاده در این پژوهش از موازین اخلاقی رعایت شده در این پژوهش بود.

تضاد منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این پژوهش از همکاری و مشارکت تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش قدردانی می‌کنند.

منابع

- اسعدی، مهران؛ پورابراهیم، تقی؛ فرخی، نورعلی و دوایی، مهدی (۱۴۰۱). تدوین مدل دلزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل: با نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی. فصلنامه خانواده درمانی، ۳(۱)، ۴۴۵-۴۶۰.
<https://lib.wrc.ir/scholar/view/1/43072>
- افشانی، سیدعلیرضا؛ ابویی، آزاده و عاصی حداد، فاطمه (۱۴۰۲). رابطه بین پرخاشگری و کیفیت زندگی در زوجین متقاضی طلاق. پایش، ۲۳(۱)، ۹۱-۱۰۰.
<http://payeshjournal.ir/article-1-1899-fa.html>
- اولیایی، سیده سیما و قاسمی‌پور، یداله (۱۴۰۱). بررسی نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی در رابطه میان سبک‌های دلبستگی با بی‌رمقی زناشویی. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۲(۱)، ۱۳۷-۱۶۰.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1401.12.1.6.1>
- پارپایی، رزیتا؛ امیری، حسن و عارفی، مختار (۱۳۹۹). برازش مدل علی مبتنی بر پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک دلبستگی و ویژگی شخصیتی با میانجی‌گری ارتباط موثر همسران در زنان. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۱۵(۵۷)، ۱۱۷-۱۳۰.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27173852.1399.15.57.8.6>
- حائری نژاد، محدثه و صفاری نیا، مجید (۱۴۰۲). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس تعارض کار-خانواده و سبک دلبستگی در افراد شاغل شهر قم. فصلنامه علمی روانشناسی کار، ۲(۳)، ۳۷-۴۲.
https://jpsy.journals.pnu.ac.ir/article_10886.html
- حمیدی کیان، پروانه؛ نیکنام، مژگان و جهانگیر، پاتنه آ (۱۴۰۰). پیش‌بینی پرخاشگری پنهان زناشویی و ترس از صمیمیت بر اساس خودشفقت‌ورزی با نقش میانجی‌گری احساس گناه در افراد متأهل. خانواده درمانی کاربردی، ۲(۱)، ۴۶-۹۰.
<https://www.sid.ir/paper/369737/fa>
- خانی، سعید؛ دانش‌مهر، حسین و بهزادی‌نیا، اسرین (۱۴۰۲). ارتباط بین تعارض کار-خانواده و نگرش‌های ازدواج-فرزندآوری: مطالعه‌ای در بین زنان شاغل در شهر سمنج. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۸(۳۵)، ۱۹۱-۱۲۳.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20083742.1402.18.35.5.0>
- خزاعی، سمانه؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ فرزاد، ولی‌الله و زهراکار، کیانوش (۱۴۰۰). نقش میانجی احساس شرم و گناه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری پنهان زناشویی. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۱۵(۱)، ۳۵-۵۱.
<http://rph.khu.ac.ir/article-1-3819-fa.html>
- درگاهی، شهریار؛ اعیادی، نادر و خبازی، مریم (۱۴۰۳). روابط علی تمایز یافتگی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و طلاق عاطفی در زنان متعارض با میانجی‌گری تعارض زناشویی. روانشناسی خانواده، ۱۱(۱)، ۴۸-۶۱.
<https://doi.org/10.22034/ijfp.2024.2028681.1317>

- سبک‌رو، مهدی؛ کلهریان، رضا و طالقانی، غلامرضا (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین حمایت سازمانی و تعارض کار-خانواده و قصد ترک خدمت پرستاران بیمارستانهای تهران. *مجله‌ی مدیریت دولتی*، ۳(۶)، ۱۱۱-۱۲۶.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085877.1390.3.6.7.6>
- سودانی، منصور؛ دهقان، مصطفی و دهقان زاده؛ زهرا (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره (TA) بر دلزدگی زناشویی و کیفیت زندگی زوجین. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی*، ۳(۲)، ۱۶۰-۱۸۰.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1392.3.2.1.5>
- عباسی، مسلم؛ روزیانی، سمیرا و اعیادی، نادر (۱۳۹۷). نقش سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله با استرس در پیش‌بینی مثبت نگری دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*، ۷(۷)، ۱-۱۶.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1397.7.7.8.9>
- ملکپناه، مرضیه؛ عابدی، محمدرضا؛ باغبان، ایران؛ جوهری، عباس و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی آموزش مدیریت تعارض کار-خانواده بر رضایت زناشویی زنان شاغل دانشگاه اصفهان. *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۲۰(۲)، ۱۶۱-۱۷۸.
https://psychac.scu.ac.ir/article_11772.html
- نادری، فرح؛ افتخار، زهرا و آملازاده، صغری (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اموار. *فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی*، ۴(۱۱)، ۶۱-۷۸.
<https://www.sid.ir/paper/175042/fa>
- Ali, F., Gharaibeh, F. A., & Awais, M. (2025). Work-Family Conflict and Conflict Resolution Styles of Married Academicians: An Application of Relational Turbulence Theory. *The Family Journal*, <https://doi.org/10.1177/10664807251321520>
- Amin, U., Rasool, I., Jan, R., Yousuf, R., Mabool, S., & Qadir, H. (2022). Assess the level of stress and coping level among married working women in Kashmir. *IP Journal of Paediatrics and Nursing Science*, 5(1), 22-28. <https://doi.org/10.18231/j.ijpns.2022.005>
- Amani, R., Momeni, K., Majzoobi, M. R., Hadian Hamedani, K., & Forstmeier, S. (2024). The Relationship Between Attachment Styles and Marital Satisfaction: The Mediating Role of Storytelling Enjoyment and Narrative Mindset. *The American Journal of Family Therapy*, 1-25. <https://doi.org/10.1080/01926187.2024.2328028>
- Aydogan, D., & Kizildag, S. (2017). Examination of relational resilience with couple burnout and spousal support in families with a disabled child. *The Family Journal*, 25(4), 407-413. <https://doi.org/10.1177/1066480717731215>
- Chen, S. C. (2018). The relationships between multifoci workplace aggression and work-family conflict. *The International Journal of Human Resource Management*, 29(9), 1537-1564. <https://doi.org/10.1080/09585192.2016.1255983>
- Choi, H. M. (2024). Stress at the Crossroads: Work-Family Conflict and Work Withdrawal Behavior. *Sustainability*, 16(16), 6975. <https://doi.org/10.3390/su16166975>
- Chuang, Y. T., Chiang, H. L., & Lin, A. P. (2024). Information quality, work-family conflict, loneliness, and well-being in remote work settings. *Computers in Human Behavior*, 154, 108149. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2024.108149>
- Clifford, C. E. (2013). Attachment and Covert Relational Aggression in Marriage with Shame as a Potential Moderating Variable: A Two Wave Panel Study. Brigham Young University. <http://hdl.lib.byu.edu/1877/etd6362>
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology*, 58(4), 644. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.58.4.644>
- Cramer, C. M. (2015). Relational aggression/victimization and depression in married couples. Brigham Young University. <http://hdl.lib.byu.edu/1877/etd8197>
- Erber, R., & Erber, M. (2017). Intimate relationships: Issues, theories, and research. Psychology Press. <https://doi.org/10.4324/9781315110103>
- farokhzad, T. , Dokanei fard, F. and khalatbari, J. (2024). The structural model for predicting marital burnout based on work-family conflict and attachment components with the mediation of triangulation in

- working women referring to counseling centers. *Journal of Family Relations Studies*, 4(16), https://jhrrs.uma.ac.ir/article_3483.html
- Farrukh, M., Abas, B., Ghazzawi, I., & Rafiq, M. (2025). From bad bosses to weakened marriages: the role of abusive supervision in emotional exhaustion, work-family conflict and marital strain. *Management Decision*, 63(7), 2597-2615. <https://doi.org/10.1108/MD-01-2024-0198>
 - Gonçalves, F., Gaudencio, M., Branco, M. C., & Viana, J. (2024). Burnout and attachment in oncology and palliative care healthcare professionals. *BMJ Supportive & Palliative Care* 2024;14:e2843-e2855. <https://spcare.bmj.com/content/14/e3/e2843.citation-tools>
 - Kamaluddin, M. R., Munusamy, S., Sheau Tsuey, C., & Abdullah & Mohd Nor, H. (2024). Relational aggression in romantic relationship: empirical evidence among young female adults in Malaysia. *BMC psychology*, 12(1), 305. <https://link.springer.com/article/10.1186/s40359-024-01670-4>
 - Kim, H. K., Shortt, J. W., Tiberio, S. S., & Capaldi, D. M. (2016). Aggression and coercive behaviors in early adult relationships: Findings from the Oregon Youth Study-Couples Study. *The Oxford handbook of coercive relationship dynamics*, 169-181. <https://psycnet.apa.org/record/2016-08560-013>
 - Kline, R. B., & Santor, D. A. (1999). Principles & practice of structural equation modelling. *Canadian Psychology*, 40(4), 381. <https://www.proquest.com/openview/fdabaad3797cd1b370caf2dda4a6e289/1?pq-origsite=gscholar&cbl=41992>
 - Koçyigit, M., & Uzun, M. (2024). Couple burnout and marital satisfaction: Serial mediation by mindfulness and emotion regulation. *The American Journal of Family Therapy*, 1-19. <https://doi.org/10.1080/01926187.2024.2322461>
 - Kulik, L., & Ramon, D. (2022). The relationship between family-work conflict and spousal aggression during the COVID-19 pandemic. *Community, Work & Family*, 25(2), 240-259. <https://doi.org/10.1080/13668803.2021.1985434>
 - Maalouf E, Salameh P, Haddad C, Sacre H, Hallit S, Obeid S. (2022). Attachment styles and their association with aggression, hostility, and anger in Lebanese adolescents: a national study. *BMC Psychol*, 22;10(1):1-14. <https://link.springer.com/article/10.1186/s40359-022-00813-9>
 - Menteş, A., & Yıldırım, İ. (2024). The Effect of Marriage Enrichment Program on Spousal Burnout of Married Women. *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal*, 14(72), 124-236. https://doi.org/10.17066/tpdrd.1324084_9
 - Morón, M., & Mandal, E. (2021). Reinforcement sensitivity, approach and avoidance goals and relational aggression in romantic relationships. *Personality and individual differences*, 168, 110381. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110381>
 - Nelson, D. A., & Carroll, J. S. (2006). Couples relational aggression and victimization scale (CRAViS). Provo, UT: RELATE Institute. https://scholar.google.com/scholar_lookup?hl=en&publication_year=2006&author=DA+Nelson&author=JS+Carroll&title=Couples+Relational+Aggression+and+Victimization+Scale+%28CRAViS%29
 - Netemeyer, R. G., Boles, J. S., & McMurrian, R. (1996). Development and validation of work-family conflict and family-work conflict scales. *Journal of applied psychology*, 81(4), 400. <https://psycnet.apa.org/buy/1997-41277-006>
 - Obrenovic, Bojan, Du Jianguo, Akmal Khudaykulov, and Muhammad Aamir Shafique Khan. (2020). Work-family conflict impact on psychological safety and psychological well-being: A job performance model. *Frontiers in Psychology* 11: 475. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00475>
 - Önen, F. (2019). Understanding womens experience and expression of anger (Master's thesis, Lisansüstü Programlar Enstitüsü). <https://acikbilim.yok.gov.tr/handle/20.500.12812/94924>
 - Pines, A. M. & Nunes, R. (2003). The relationship between career and couple burnout: implications for career and couple counseling. *Journal of Employment Counseling*, 40(2): 50-64. <https://doi.org/10.1002/j.2161-1920.2003.tb00856.x>
 - Pines, A. M. (1996). Couple burnout: Causes and cures. Taylor & Frances/Routledge. <https://psycnet.apa.org/record/1996-98548-000>
 - Pines, A. M., Neal, M. B., Hammer, L. B., & Icekson, T (2011). Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. *Journal of Social Psychology Quarterly*, 74(4): 361-386. <https://doi.org/10.1177/0190272511422452>

- Sandy, Peter Thomas, Tebogo K. Molotsi, and Margaret Rioga. (2022). Work-Family Conflict and Mental Distress of Black Women in Employment in South Africa: A Template Analysis. *Social Sciences*, 11(382): 1-1. <https://doi.org/10.3390/socsci11090382>
- Shinde, S., Sanghvi, N., & Hinduja, D. (2023). Attachment Styles and Marital Satisfaction: A Study to Associate Attachment Patterns and Satisfaction in Marriages. *Attachment Styles and Marital Satisfaction: A Study to Associate Attachment Patterns and Satisfaction in Marriages*, 132(1), 15-15. <file:///C:/Users/My/Downloads/1001311820235434.pdf>
- Simanjuntak, M., Yuliati, L. N., & Kumalasari, B. (2024). The impact of social support, family function, work-family conflict, and marital satisfaction on the quality of life of working women in Indonesia. *Review of Applied Socio-Economic Research*, 28(2), 148-162. <https://doi.org/10.54609/reaser.v28i2.566>
- Song, K., Lee, M. A., & Kim, J. (2024). Double jeopardy: Exploring the moderating effect of educational mismatch in the relationship between work-family conflict and depressive symptoms among Korean working women. *Social Science & Medicine*, 340, 116501.
- Stratton, S. J. (2024). Purposeful sampling: advantages and pitfalls. *Prehospital and disaster medicine*, 39(2), 121-122. <https://doi.org/10.1017/S1049023X24000281>
- Vos, J., & van Rijn, B. (2022). The effectiveness of transactional analysis treatments and their predictors: A systematic literature review and explorative meta-analysis. *Journal of Humanistic Psychology*, 00221678221117111. <https://doi.org/10.1177/00221678221117111>
- Wan, M., Carlson, D. S., Kacmar, K. M., Perry, S. J., & Thompson, M. J. (2024). Love on the rocks: Unraveling effects of remote employees' work-family conflict on couples' divorce intentions. *Applied Psychology*, 73(4), 1808-1832. <https://doi.org/10.1111/apps.12527>
- Wang, J., Guo, C., Wang, H., & Lei, L. (2024). Harsh parenting mediates the relationship between parental work-family conflict and adolescent's cyber aggression: a longitudinal study. *Current Psychology*, 43(29), 24690-24701. <https://doi.org/10.1007/s12144-024-06160-9>
- Wang, Y. (2024). Work-Family Conflict and Balance Strategies—An Analysis Based on the Work-Family Resources Model. *Open Journal of Business and Management*, 12(2), 1228-1239. <https://www.scirp.org/journal/paperinformation?paperid=132100>
- Yue, C. A., & Thelen, P. D. (2023). Words matter: The impact of workplace verbal aggressiveness on workgroup relationship conflict, work-life conflict, and employee-organization relationships. *Public Relations Review*, 49(1), 102292. <https://doi.org/10.1016/j.pubrev.2023.102292>
- Zhangc X. . (2025). A Literature Review on Work Family Balance among Married and Childbearing Female Teachers in Chinese Universities. *Journal of Integrated Social Sciences and Humanities*, 1–14. <https://doi.org/10.62836/jissh.v2i1.255>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی